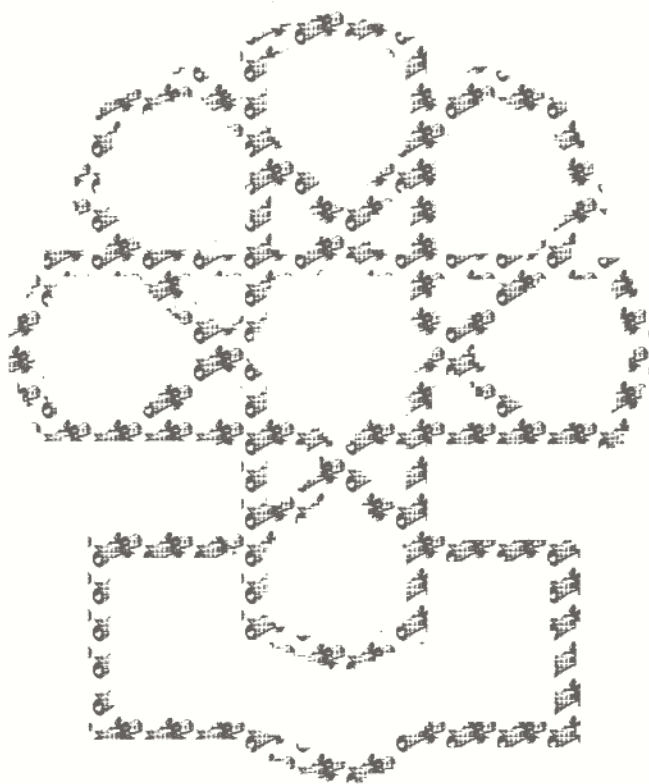


## اخلاق توسعه



معاونت پژوهشی

مرداد ماه ۱۳۷۵

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این مطالعه بنابه تقاضای جناب آقای مهندس مرتضی نبوی  
فانم مقام محترم مرکز پژوهش‌ها انجام پذیرفته است.

کد گزارش: ۳۶۰۱۵۲۶

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مارابن

شماره: ۳۸۸۰

تاریخ: ۱۳۷۵ / ۸ / ۶

## اخلاق توسعه

کد گزارش: ۳۶۰۱۵۲۶

### مقدمه

بحث توسعه و تأمل در جنبه‌های گوناگون آن چندی است که ذهن اندیشمندان و سیاستگذاران جامعه ما را به خود مشغول داشته است. در این گفتگوها و مباحثات نه تنها به عرصه‌های مختلف توسعه مانند اقتصاد، فرهنگ و سیاست توجه شده است، بلکه شرایط و ابزارهای لازم برای وصول به این هدف تحت عناوینی مانند «فرهنگ توسعه» و «اقتصاد توسعه» مورد بررسی قرار گرفته است. اما مقوله «اخلاق توسعه» که در بخش اخیر جای می‌گیرد و از شرایط و زمینه‌های اخلاقی و روانی لازم برای توسعه گفتگو می‌کند، چندان مورد توجه نبوده و از منظر دینی بدان پرداخته نشده است.

در این نوشتار، ابتدا به «تعریف توسعه» و دگرگونی در مفهوم آن و سپس به «شرایط توسعه» خواهیم پرداخت. در بحث اخیر توجه و تأکید بر شرایط اخلاقی و اعتقادی توسعه خواهد بود تا در سایه تحلیل این شرایط به درک عمیق‌تر «مبانی اخلاقی توسعه در غرب» راه بریم. در نهایت به بحث اصلی یعنی «مفاهیم اخلاقی اسلام و پیش شرطهای توسعه» و پاسخگویی شبهات در این خصوص می‌رسیم، شبهاتی که زهد دینی را با توسعه معارض می‌انگارند و تجدید نظر در باورهای دینی در این زمینه را لازمه حرکت جدی برای توسعه می‌دانند.

### فصل اول: تعریف توسعه

مفهوم امروزی «توسعه» برخلاف خود این واژه سابقه چندانی ندارد و طلوع و رونق آن پس از جنگ جهانی دوم یعنی در دوره بازسازی اروپا و آزادی مستعمرات از نوع استعمار کهن بوده است. مفهوم توسعه به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است - برخی<sup>(۱)</sup> آن را در معنای اخلاقی یا زیستی به گسترش، شکوفایی بسط و رشد تفسیر کرده و از دیدگاه اجتماعی آن را رشدی هماهنگ، همبسته و موزون در تمامی ابعاد دانسته‌اند. اما بررسی تاریخچه عمر کوتاه این اصطلاح، نشان دهنده این نکته است که اصطلاح «توسعه» ابتدا در عرصه اقتصاد طرح گردیده و سپس در وادی فرهنگ و سیاست و ... وارد شده است. در غرب پس از اندیشه «ترقی» در عصر روشنگری و «تکامل» در دوره تأثر علوم اجتماعی از نظریه تحول انواع داروین، دور به مفهوم «توسعه» رسید. در پایان دهه ۱۹۴۰، توسعه به مثابه کوششی برای تقلید از مدل توسعه غربی و یا مدل توسعه اتحاد شوروی تلقی شده و مفهوم کلی توسعه یعنی «حصول ترکیبی از تغییرات روحی، روانی و اجتماعی برای دستیابی اقتصاد تولیدی به توانایی افزایش مستمر محصول حقیقی»<sup>(۲)</sup> تنها در این دو مصداق دیده می‌شد.

۱- ساروخانی، باقر. درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی. مؤسسه کیهان  
۲- زندگی، منرجهر. اقتصاد فنون تجزیه و تحلیل اقتصادی حقیقی. ص ۲۲۸ نقل از اقتصاددان معروف فرانسه «فرانسوا پرو»

توجه روز افزون اقتصاددانان به بحث توسعه و شیفتگی اندیشمندان در برابر جلوه‌های پیشرفت دنیای نوین، این مفهوم را به حوزه مطالعات دیگر اندیشمندان علوم اجتماعی منتقل کرد. توسعه سیاسی<sup>(۱)</sup> و توسعه فرهنگی<sup>(۲)</sup> مصطلحات جدید الوردی هستند که به یمن آن توجه و این شیفتگی، پایه عرصه مباحث علوم اجتماعی گذارده‌اند. توسعه در عرصه‌های جدید، گاه به عنوان نتیجه و ولیده توسعه اقتصادی و گاه در سیمایی مستقل و در شکل جنبه‌ای از «رشد همه‌آهنگ و همبسته و موزون» در نظر گرفته می‌شود.

## فصل دوم: شرایط توسعه

این نوشته تنها به یکی از مهمترین پیش شرطهای توسعه اقتصادی یعنی اخلاق توسعه می‌پردازد و درخصوص توسعه، تنها به بعد اقتصادی آن توجه داشته و در این مجال به بررسی اخلاق توسعه در همه ابعاد آن دست نیازیده است.

در بحث «اخلاق توسعه» توجه به مفاهیم و مباحثی همچون رقابت، سود طلبی و قوم‌گرایی می‌باشد که مبانی اخلاقی و روانی توسعه در عصر نوین محسوب می‌کردند. مروری به تعریفی که درخصوص توسعه آورده شد، می‌تواند نقش اساسی این مبانی را در توسعه اقتصادی نشان دهد. توسعه «ترکیبی از تغییرات روحی، روانی و اجتماعی یک مجتمع برای وصول اقتصاد تولیدی آن به توانایی افزایش مستمر محصول حقیقی است». می‌بینیم که در این تعریف تأکید خاصی بر نقش تغییرات روحی و روانی افراد مجتمع شده است، چراکه در صورت وجود انگیزه‌ها و آمادگی‌های روحی و روانی برای حرکت اقتصادی و هماهنگ شدن روابط و نهادهای اجتماعی با این آرمان، جامعه می‌تواند در هر شرایطی، اقتصاد تولیدی خویش را به حرکت درآورده و به رشد و توسعه نایل شود.

میزان فعالیتهای اقتصادی افراد با تفاوت هدفهایشان از آن متفاوت می‌گردد. بی‌رغبتی به کسب و تولید و اکتفا به تأمین ضروریات زندگی خویشتن اگر همه‌گیر شود جامعه از رشد باز می‌ماند و فعالیتهای اقتصادی در حد نازلی قرار می‌گیرد و حال آنکه انگیزه‌هایی مانند سود طلبی و فزون خواهی، رقابت و سبقت و همچنین ملیت و قومیت‌گرایی و سلطه‌جویی توانسته است رشد و گسترش فعالیتهای اقتصادی و پیشرفت علوم و فنون مرتبط با آن و در نهایت قدرتهای بزرگ اقتصادی امروز را شکل دهد.

سهم عمده از رکود و رخوت اولیه اروپا و حرکت و رشد و توسعه آن بر دوش اعتقادات و باورهای اخلاقی حاکم بر جامعه مسیحیت قرار داشت.

بی‌رغبتی به بهره‌گیری از دنیا نه تنها مستقیماً بر انگیزه تولید اثر می‌گذارد بلکه زمینه و تقاضای آن را نیز ضعیف و محدود می‌نماید.

## فصل سوم: مبانی اخلاقی توسعه در غرب

تحلیلهای گوناگونی درباب عوامل توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع وجود دارد. در این تحلیلها از

۱- لوسین پای، رک. «فرهنگ و توسعه سیاسی»، نامه فرهنگ سال ۲ شماره ۱ و ۲ ص ۳۷  
۲- دیوب، س. ک. «ابعاد فرهنگی توسعه»، نامه فرهنگ سال ۲ شماره ۱ و ۲ ص ۳۲

مهاجرت، نیازها، ارتباطات، ابداعات کلیدی در شرایط مناسب، مدیریت سیاسی و اقتصادی جامعه، میزان نیروهای نوآور، خلاق و کارآفرین، دست نامرئی اقتصاد بازار و ... گفتگو شده و مستندات تاریخی در این زمینه ارائه گردیده است. اما نقش برخی عوامل دیگر در این خصوص شایسته تعمق بیشتری است تا بتوان تأثیر آنها را بر شکل‌گیری صور گوناگون سرمایه‌داری در غرب روشن نمود.

اولین عاملی که در این خصوص باید از آن نام برد اعتقاد به مطلوبیت فعالیت اقتصادی و تشویق به آن است. ماکس وبر این اعتقاد را یکی از وجوه فارق مهم میان اعتقادات کاتولیکی و پروتستانیسم می‌داند چرا که به نظر او این اعتقاد در حقیقت روح سرمایه‌دار و یکی از مهمترین عوامل رشد اولیه آن می‌باشد. رواج فردگرایی در این مقطع به شکل‌گیری سرمایه‌داری سودپرست انگلیسی و امریکایی انجامید و لیبرالیسم اقتصادی، ترویج رقابت و تکیه بر اقتصاد بازار از یک سو و باورهایی که الگوی مصرف هرچه بیشتر را به ارمان می‌آورد به رشد و شکوفایی آن کمک نمود.

در این شکل سرمایه‌داری، اهداف، شکل و میزان تولید تحت تأثیر دو عامل سودطلبی کارفرمایان و تقاضای مؤثر مصرف‌کنندگان تعیین می‌گردید.

پس از جنگ جهانی دوم، جهان شاهد شکل‌گیری تدریجی نوعی جدید از سرمایه‌داری بود. ژاپن با برخورداری از مردمانی مطیع و سخت‌کوش و با تعویض سودطلبی فردی با سلطه‌جویی تیمی و ملی‌شکلی تازه از سرمایه‌داری را با قوتها و ضعفهای متفاوت عرضه کرد.<sup>(۱)</sup> قوتهایی که هر مبارزه تیمی و قبیله‌ای از آن برخوردار است و ضعفهایی که قوم‌گرایی و نژادپرستی و سلطه‌جویی به همراه خواهد داشت. جایگزینی اندیشه غلبه تیمی و ملی به جای پیروزی فردی و سود شخصی تأثیری اساسی در اهداف، شکل و میزان تولید به جای گذاردن که توضیح آن در این مختصر مقدور نیست.<sup>(۱)</sup>

سرمایه‌داری امروز چه در شکل اصالت سود و چه در سیمای اصل قرار گرفتن غلبه و سلطه بر پایه پذیرش ارزشهایی شکل گرفته است، ارزشهایی از قبیل مطلوبیت فعالیت اقتصادی، ارجمندی رقابت و سبقت و ملیت و قوم‌گرایی که مبانی اخلاقی اشکال مختلف سرمایه‌داری امروز را تشکیل می‌دهند.

#### فصل چهارم: مفاهیم اخلاقی اسلام و توسعه

سؤالی که امروزه در برابر ما قرار دارد و داعیان را به پاسخگویی فرا می‌خواند این است که آیا مفاهیم اخلاقی اسلامی می‌تواند مبنای توسعه اقتصادی قرار گیرد؟ آخر مگر نه این است که دین انسان را به اجمال در طلب رزق، زهد و قناعت در دنیا و عدم رقابت و تنافس در مادیات دعوت می‌کند؟ آیا با این دعوتها می‌توان تاجر مسلمانی ساخت که گوی سبقت از رقبا ببرد و فعالیتهای بزرگ اقتصادی را سامان دهد؟ آیا حق باروشن‌فکران تجدید نظر طلب در دین نیست که مفهوم سنتی زهد را با توسعه معارض می‌پندارند و عالمان دین را به تجدید نظر در برداشت از مفهوم زهد دعوت می‌کنند؟

بگذارید کمی در این مفاهیم دینی تأمل کنیم و خود را عادت دهیم که با این مفاهیم منصفانه‌تر رفتار کنیم. اگر مفهوم اجمال در طلب روزی و قناعت انگیزه ما را برای تلاش گسترده برای منافع شخصی از بین

۱- لسرتارو، رویارویی بزرگ، ص ۹۰

می برد ترغیب به «سعی در حوائج مؤمنین» و «اشتیاق به جریان یافتن رزق حق از دستهای ما» انگیزه‌های شدیدتری را به همراه نخواهد آورد. آیا آنکه برای تمامی خلق می‌کوشد و خود را حتی در برابر بقاع و بهائم مسئول می‌داند کم انگیزه‌تر از کسی است که تنها برای خود و وابستگانش می‌کوشد؟

انگیزه رقابت و میل به سبقت که در کنار سود طلبی و یا همراه غلبه جویی و نژادپرستی توانسته است به سرمایه‌دارهای بی‌رحم امروزی راه ببرد می‌تواند همراه با تغییر جهان‌بینی افراد و تلقی ایشان از نقش خویش در هستی انگیزه‌های متعالی را شکل دهد و اقتصادی نوین را پایه بگذارد. با تغییر فضای اعتقادی آدمی و تغییر جهان‌بینی او می‌تواند به سائقه‌های جدیدی برای رقابت دست یافت. آخر آدمی که برای سودهای دنیوی که کم‌اند و کوتاه مدت‌اند و محتمل و همزاد با رنج و ضرر این چنین می‌کوشد و بی‌قراری می‌کند چگونه برای وصول به بهشت گسترده و سرشار از مبحث حق و نعیم ابدی آن مشتاق نشده و از پای می‌نشیند. همان کششهایی که رنج روز و بیداری شب را بر سوداگران گوارا می‌کرد و در پرتوی ذهنیتی تازه می‌تواند همتهای رفیع و تلاشهای عظیم را شکل دهد.

سبقت و رقابت برای رسیدن به نعمتهای عظیم آن جهانی<sup>(۱)</sup> به مغفرت پروردگار<sup>(۱)</sup>، به قرب حق<sup>(۲)</sup> یا به جهت ترس از معاد<sup>(۳)</sup> و یا به خاطر توجه به نقش انسان و آنچه حقیقتاً برای او خیر است<sup>(۴)</sup>. آنگاه که این قبیل انگیزه‌ها با تعلیم و تربیت و تبلیغات تقویت شوند و رقابت بر این پایه‌ها نضج بگیرد فضای فعالیت‌های اقتصادی رنگ و بوی تازه‌ای به خود خواهد گرفت و در این فضای تازه، از رنجها و بی‌عدالتیهای سرمایه‌داریهای مبتنی بر سود و غلبه خبری نخواهد بود.

نفی ملیت‌گرایی به مفهوم امروزی آن اقتصاد اسلامی را با اهداف وسیعتری همراه می‌کند. اندیشه و برنامه‌ریزی سیاستگذاران اقتصاد اسلامی در محدوده مرزهای جغرافیایی و قراردادی محصور نمی‌گردد. این اقتصاد تأمین نیازهای همه مسلمین و فراتر از آن همه انسانها و حتی محیط زیست و حیوانات را هدف می‌گیرد و در جهت این همه تلاش می‌کند. این دیدگاه از زشتیهای نژاد پرستانه سرمایه‌داری نوین و ژاپنی‌بری است و انسانی‌ترین سیمای ممکن را برای فعالیت اقتصادی عرضه می‌کند.

۱- سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنه عرضها کعرض السموات و الارض (حدید ۲۱)، خنامه و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون (مطففین ۲۵)

۲- السابقون السابقون اولئک المقربون (واقعہ ۱۰)

۳- والذین یؤتون ما اتوا و قلوبهم و جلة أنهم الی ربهم راجعون اولئک یسارعون فی الخیرات و هم لها سابقون (مؤمنون ۶۰ و ۶۱)

۴- و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة و لکن لیبلوکم فی ما اتاکم فاستبقوا الخیرات (مائده ۴۸)